

## به نام نور

### نقد کتاب عکس «عناصر سرنوشت ایران» اثر رولوف بنی Roloff Beny

تولد: ۷ ژانویه ۱۹۲۴، مدیسین هت، آلبرتا، کانادا

فوت: ۱۶ مارس ۱۹۸۴، رم، ایتالیا

رولوف بنی یک عکاس کانادایی با شهرت جهانی است که فرهنگ‌ها و روابط اجتماعی مختلف را در آثارش بازنمایی کرده است. او بارها مورد تشویق قرار گرفته است: برگزیده شدن کتاب "عصر خدایان" توسط انجمن هنر گرافیک فرانسه در بین ۵۰ کتاب برگزیده‌ی سال ۱۹۶۵ فرانسه و دریافت نشان نقره در نمایشگاه جهانی کتاب لاپیزیک، ممتاز اعلام شدن کتاب «شادی ویرانه» توسط انجمن معتبر هنری تایم لایف در آثار هنری عکاسی، مدال طلا برای کتابی درباره‌ی ژاپن در نمایشگاه جهانی لاپیزیک ۱۹۶۳ و ... او برای عکاسی در ایران، از حمایت دولت ایران برخوردار بود و امکانات قابل توجهی در اختیارش قرار گرفت تا بتواند این مجموعه تصویری ارزشمند را گردآوری کند. بخشی از عکس‌های او از ایران که در کتاب ایران پل فیروزه چاپ نشده‌اند، هم اکنون در مجموعه تاریخی - فرهنگی کاخ نیاوران نگهداری می‌شوند. دو عنوان کتابی که در ایران پیش از انقلاب به چاپ رسید کتاب «ایران پل فیروزه» ۱۹۷۵ و کتاب عناصر سرنوشت ۱۹۷۸ ایران به چاپ رسیدند.

کتاب ایران عناصر سرنوشت به عنوان کتابی نفیس و آرتیستیک بوک به چاپ رسیده است. آرم دانشگاه تهران بر روی جلد محافظ سخت و صفحات اولیه‌ی کتاب خودنمایی می‌کند. قطع کتاب حدود ۲۵/۵ × ۴۰ سانتی متر است. جلد کتاب پارچه‌ای قهوه‌ای رنگ که با کاوری کاغذی پوشانده شده است. کتاب از دو بخش متن و عکس تشکیل و عکس‌ها روی کاغذ نیمه براق چاپ شده‌اند. صحافی کتاب دوختی دقیق، تمیز و مستحکم است و جهت تورق بنا بر زبان چاپ کتاب که انگلیسی است از چپ به راست می‌باشد. طراحی روی جلد و عکس انتخاب شده با توجه به زمان چاپ اول جذاب و بدیع است. گرافیک کار حرفه‌ای و عکس‌ها به خوبی چیدمان شده‌اند. عکس‌ها دارای کنتراست مناسب و دارای اصول و قواعد درست عکاسی متناسب با هر بخش هستند. رنگ‌ها زنده و پویا هستند. عناصر اصلی درون عکس‌ها انسان‌ها، آثار باستانی و بناها هستند. عکاس در این کتاب در بخش‌های خاک، هوا، آب، آتش، جامعه، شاهنشاه و شهبانو، خانواده، شهبانو، فردا و آینده‌نگری عکس‌های خود را ارایه کرده است. در بخش خاک به پیشینه‌ی معماری در ایران، بناهای تاریخی، معادن و پیشرفت‌های صنعتی پرداخته می‌شود. بخش هوا به صنایع هوایی، هواپیماهای مسافربری و جنگنده و حتی محیط زیست می‌پردازد. آب، پیشینه‌ی پل‌های تاریخی تا رسیدن به سدهای

مدرن امروزی و صنعت کشتی‌سازی را نشان می‌دهد. آتش از زرتشت تا دوران نفت و پالایشگاه پیش می‌آید. جامعه مردمان ایران را در مناطق، مشاغل و فعالیت‌های مختلف و خاص به تصویر می‌کشد. و در بخش‌های شاهنشاه و شهبانو، شهبانو و خانواده خاندان سلطنتی، فعالیت‌ها و علاقه‌مندی‌هایشان را به تصویر می‌کشد. کاخ‌ها و تشریفات و بناهایی که برای زندگی و دیدارهای رسمی استفاده می‌شدند. نورپردازی عکس‌ها بنا بر نیاز و مکان عکاسی از نور طبیعی روز تا نور مصنوعی متغییر است. و به نظر من در ژانر مستند (مستند اجتماعی) هستند. عکاس عکس‌ها را با دوربین آنالوگ رنگی تهیه کرده است. این کتاب معرفی مختصر و مفید ایران است. آب و هوا، محصولات کشاورزی، پوشش مردم جامعه، ادیان اصلی که در ایران آن زمان وجود داشته‌اند، بناهای تاریخی و آثار باستانی، ساختمان‌ها و بناهای مدرن و امروزی، صنایع و معادن، آب و هوا، معرفی مختصر سلسله‌های مختلف تا پهلوی و خاندان شاهنشاهی است. اگرچه بناها بسیار دقیق، زیبا و با شکوه تصویر شده‌اند اما رنگ صورت‌ها و به تصویر کشیدن انسان‌ها به آن خوبی نیست. مهارت و تسلط عکاس در عکس‌ها به خوبی مشهود است اما به گفته و نظر برخی متخصصین و اساتید عکاسی از جمله آقای «رضا نبوی» استاد من در دانشگاه هنر تهران، این اتفاق عمدی است. این قرمزی (Color Cast) چهره‌ها حس منفی در مخاطب ایجاد می‌کند گویی می‌خواهد بگوید که این مردم و ملت لیاقت چنین کشور، بناها و پیشرفتی را ندارند. گویی عکاس بسیار ظریف و عمدی با نوع پرتره نگاری‌ها و رنگ غالب می‌خواهد این ملت را تحقیر کند. اگرچه از کودکی بارها و بارها این کتاب را تورق کرده بودم و حسی ناخوشایند و عجیب را در مواجهه با تصاویر داشتم دلیل آن را نمی‌دانستم. جای بسی تاسف و تعجب است که این مقوله مورد توجه قرار نگرفته است. و کتابی که با حمایت و امکانات بسیار بالا از طرف دولت ایران تهیه شده است در ناخودآگاه مخاطب چنین اثری می‌گذارد. و بررسی و کنترل کیفیت درخوری از سوی یک ایرانی آشنا به قواعد و اصول عکاسی صورت نگرفته است. با وجود این که عکاس سعی دارد به ما بقبولاند تمام بخش‌ها را در نظر گرفته است به نظرم تمام اقصا و بناها و اماکن در این مجموعه حاضر نیستند. شاید به عنوان یک ایرانی که اشراف بیش‌تری به میراث فرهنگی ایران دارم جای خالی خیلی از آن‌ها را حس می‌کنم. نمایش دادن یک ایران مدرن که در حال گذر از سنت به مدرنیته است. و یک چهره‌ی روتوش شده از ایران که در آن فقر و فلاکت، بیچارگی هیچ جایی ندارد. هر کسی آزاد است تا بر طبق عقاید و علاقه‌مندی‌های خود زندگی کند. خبری از زاغه نشینان و خانه‌هایشان، خانه‌های جنوب شهر و مردم عادی نیست. تا چشم کار می‌کند همه چیز خوی و شسته و رفته به تصویر کشیده شده است. به نظر من کتاب بیش از این که برای یک ایرانی تهیه شده باشد با هدف مطالعه توسط خارجی‌ها تهیه شده است. برای معرفی حکومت پهلوی و ایرانی که می‌خواستند به جهانیان معرفی کنند. زبان انگلیسی کتاب و بهره‌گیری اندک از زبان فارسی در حد اسامی بخش‌های مختلف کتاب و شعرهای فارسی گواه این مدعاست. اما با تمام این نقص‌ها و انتقادات رولوف بنی تا حد زیادی برای رسیدن به مفهوم و معنای مورد نظر موفق بوده است.